

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سردبیر: دانیال معمار
معاون ضمايم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویر: نامه: زکيه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنایی، سمیرا باباجانیور
ثریا روزبهنایی، حسن حسن زاده، شهره کیانوش راد،
حمید رضار سولی، بهاره خسروی، فاطمه لیاف،
صفورا صادقی و مقدا مهربانی

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
عکس: گروه عکس همشهری، ویرایش عکس: کامییز نویدی
ویرایش متن: سمانه مومن، هاله جوانفر، اعظم آجور بندیان

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷



گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۴، نرسیده به پارک وی،
کوچه شهید فریبتی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

صفحات «روایت تهران» که پیش‌روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران خیابان‌ها و گذرگاه‌ها و واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های یادمانداز خاطرات تهران دیرپو و قصه‌ها و ماجراهای پست‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: ۲۲۰۴۶۰۶۷-۴۶۲، mahaleh@hamshahri.org، ۲۲۰۴۶۰۶۷

در نخستین
بانک تهران
چای بنوش!

موضوع:
تیمچه
اکبریان
ویژگی:
نخستین
بانک رهنی
تهران



تهران در این مکان راه‌اندازی شده بود و فعالیت داشت. بهروز مریاچی، مؤسس خانه اردیبهشت، معمار و استاد دانشگاه درباره هویت تاریخی نخستین بانک در محله اودلاجان می‌گوید: «تازه ۲ سال از آغاز حکومت قاجار و پایتختی تهران گذشته بود که تیمچه اکبریان در بازارچه اودلاجان ساخته شد؛ تیمچه‌ای که به دست کلیمیان ساخته شد و صنف زرگرها و صراف‌ها در آن مشغول به کار بودند. این تیمچه خیلی زود به نخستین بانک رهنی ایران تغییر کاربری داد و در حال حاضر توسط بخش خصوصی مرمت و به سفره‌خانه تبدیل شده است. امانت‌فروشی یا بانک رهنی تا سال‌های نخست انقلاب در تیمچه اکبریان پا برجا بود و فعالیت می‌کرد. شایعه‌ای قدیمی وجود داشت که در مجاورت دیوار طبقه همکف سوراخی تعبیه شده بود و اشیایی که مردم در این بانک گرو می‌گذاشتند از طریق این حفره، به صورت مخفیانه به زیرزمین بانک منتقل می‌شد؛ البته این روایت قابل تردید است. حداقل به این خاطر که اگر از آن سوراخ امانت‌های مردم را می‌انداختند پایین، چطور برمی‌گرداندشان، بدون ورودی و دری؟!»

تهرانی‌های امروز وقتی خسته از بازارگردی به تیمچه اکبریان در بازار اودلاجان می‌رسند، بوی دیزی و چای تازه‌دم، زیر طاق هشت‌ضلعی ضربی خشتی، جانشان را قفلک می‌دهد و همراه با پله‌های غلام‌گردش، اوج می‌گیرد. معماری زیبای این تیمچه و تاریخچه‌ای که به دوش می‌کشد باعث شده تا تیمچه اکبریان در فهرست میراث و بناهای ارزشمند شهر تهران به ثبت ملی برسد. این تیمچه چند سالی است که به رستورانی سنتی تبدیل شده، ولی تا حدود نیم قرن قبل به جای بوی خوش دیزی، صدای ضرب و جلینگ جلینگ سکه از این مکان به گوش می‌رسید؛ چون نخستین بانک رهنی

چرا قراول‌ها
رو به قبله
می‌شدند

موضوع:
قراول‌خانه
ویژگی:
نگهبانی از کاخ
و عمارت پادشاهی از
زمان آغامحمدخان
قاجار



حدود ۴۳۰ نفر پیش در شهرهای ایران محل‌هایی وجود داشت به نام «قراول‌خانه» که محل تجمع افراد نظامی و وابسته به حکومت بود. «قراول» در لغت به معنای دیده‌بان و نگهبان و قراول‌خانه به محلی که نگهبانان در آن قرار می‌گرفتند، اطلاق می‌شد. نضال الله حدادی، تهران‌پژوه، درباره قراول‌خانه مخرله اودلاجان می‌گوید: «در زمان آغامحمدخان، کاخ گلستان در نزدیکی اودلاجان قرار داشت؛ برای همین شاه برای محافظت از اطرافینش در این محل یک قراول‌خانه ساخت تا مامورانش حراست از شهر و کاخ شاه را بر عهده بگیرند. در آن زمان محل قراول‌خانه یک محیط بزرگ نبود، بلکه بیشتر شبیه یک خانه تقریباً

۱۰۰۰ متری بود که سربازان آنجا بودند و در آن اسلحه نگهداری می‌شد. «داریوش شهبازی، تهران‌پژوه نیز درباره قراول‌خانه‌ها چنین توضیح می‌دهد: «اگر بخواهیم قراول‌خانه‌ها را با امروز مقایسه کنیم چیزی شبیه کلانتری یا پاسگاه پلیس بوده‌اند. پیش از اینکه تهران بخواهد صاحب نظمیه و پلیس باشد، داخل حصار صفوی که کوچک‌تر از حصار ناصری بود، قراول‌خانه وجود داشت. در دوره ناصری به خصوص امیر کبیر به قراول‌خانه‌ها بیشتر از پیش توجه داشت و به این ترتیب حدود ۴۰ قراول‌خانه ایجاد شد. در دروازه‌های تهران و در خود محله‌ها نیز قراول‌خانه داشتیم؛ مثلاً در کوچه لوطی صالح. ضوابطی نیز برای قراول‌خانه‌ها وجود داشت؛ یکی اینکه قراول‌ها نباید بنشینند و دیگر اینکه زمانی که اذان گفته می‌شد، برای احترام به شریعت مقدس اسلام، اگر قراولچی ایستاده بود باید تا پایان اذان رو به قبله می‌ایستاد و پیشفنگ می‌کرد؛ این جزو دستورات بود. یکی از وظایف قراول‌خانه‌ها پاسداری از امنیت مردم محله و جلوگیری از تردد افراد مست هنگام شب بود. از یک ساعتی به بعد منع تردد وجود داشت و به جز قراول‌ها کسی اجازه عبور و مرور نداشت. شهبازی با این توضیح، ادامه می‌دهد: «در دوران امیر کبیر، درباره جمعیت تشکیل دهنده قراول‌خانه‌ها در اسنادی که موجود است چنین گفته می‌شود که هر قراول‌خانه ۱۲ نظامی داشت که اهل قشون بودند. به جز اینها، یک صاحب‌منصب شمشیربند، یک نویسنده، ۲ اطبال و یک شیپورچی هم بودند و تعدادی نظامی که کشیک می‌دادند و لباس خاصی داشتند. قراول‌خانه‌ها بعد از قتل امیر کبیر نظم و انضباط سابق را از دست دادند تا اینکه ناصرالدین شاه به فرنگ سفر کرد و کنت را با خودش به تهران آورد و قراول‌خانه‌ها جمع شدند و نحوه جدیدی از نظم پلیس برقرار شد.»

وقتی گردشگر ایتالیایی سراغ زورخانه نجات را می‌گرفت

منش و زندگی اهالی اودلاجان با پهلوانی پیوند خورده است. محال است مهمان خاطرات قدیمی‌های محل شویم و آنها از زورخانه‌ها و گود آن نگویند. علاقه جوان‌های دیروز محله اودلاجان به ورزش باستانی زبازد بود و جوانان امروز این محله نیز راه گذشتگان را در پیش گرفته و چراغ این ورزش را روشن نگه داشته‌اند. محمد جهانی متولد ۱۳۵۵ و بچه سهره دونگی است. او می‌گوید: «در محله اودلاجان آזורخانه معروف بود؛ اول زورخانه سهره دونگی که تقریباً ۱۰۰ سال پیش در این محله دایر بود و دیگر زورخانه معروف نجات که در کمال ناباوری در دهه ۷۰ بسته و گودش پر شد. از زورخانه سهره دونگی اطلاعات زیادی در دسترس نیست، ولی زورخانه نجات را حاج مصطفی نجات که خود از پهلوانان بنام روزگارش بود، بسا نهاد؛ زورخانه‌ای نزدیک مسجد و بقعه پیر عطا؛ محلی که پاتوق معنوی و بارزش جوان‌های محله بود.

موضوع:
زورخانه
نجات
ویژگی:
پاتوق
پهلوانان و
جوانان محله

اغلب شخصیت‌های بزرگ و پهلوانان زورخانه‌ای تهران در این زورخانه میل و کبابه گرفته‌اند. بعد از نجات زورخانه را حاج محمود همایون صفت، معروف به محمود قزوینی می‌چرخاند که خود او از بزرگان ورزش پهلوانی بود. رحیم طوبایی از اهالی قدیم محله اودلاجان از



زورخانه نجات به‌عنوان زورخانه‌ای که همچون معدن طلا جوانان نیک‌منش را تربیت می‌کرد، یاد می‌کند و می‌گوید: «کنار بقعه پیر عطا یک قبرستان بود و آن طرف‌تر هم زورخانه نجات؛ زورخانه‌ای که خیلی از پهلوانان بنام ایران در گود این زورخانه ورزش می‌کردند. بر سر در زورخانه نجات نوشته بود: تأسیس سال ۱۳۲۲ شمسی. متأسفانه چند سال قبل گود این زورخانه را با خاک و نخاله پر کردند و الان شده انبار ورق استیل. سیدمصطفی نجات که خودش از جوانان ورزشکار در تکیه رضاقلی خان بود و قصابی داشت این زورخانه را دایر کرد تا هم محلی برای جمع شدن جوانان محل دور هم باشد و هم آن محدوده ساماندهی شود. چون قبل از تأسیس زورخانه این‌جا قبرستان بزرگی بود که قدمت خیلی زیادی داشت. سنگ‌قبرها شکسته بود و زباله و نخاله همه قبرستان را گرفته بود. با راه‌اندازی زورخانه همه چیز عوض شد؛ مثلاً چند سال قبل یکی از گردشگران ایتالیایی سراغ زورخانه نجات را می‌گرفت. در کتابی خوانده بود در این زورخانه مردان قوی‌هیکل ورزش می‌کردند. متأسفانه چراغ این زورخانه خاموش شده و جوانان محل برای ورزش باستانی بیشتر به زورخانه شهیدعراقی می‌روند.»